

ضرورت تاریخی بحث در باب ابتدای سیاست برآستی، موضوعی است که تنها از خلال آن می‌توان سعادت را برای «انسان» متصور شد. برخلاف ابتدای سیاست بر قدرت.

به همین جهت صدر مراتب متعددی از سعادت آدمی را بر شمرده است. آن جوهر متعینی که ارسطو در صدد بود تا با کشف آن چیستی و ماهیت چیزها را تعریف کند نزد ملاصدرا در خلق و شدنی مدام است، بنابراین حرکت حتی جوهر نیز وارد است. از این جهت، صدرا قاعده‌ی مشائیان را وارونه کرد و در نظرگاهی عرفانی، با اعتباری دانستن ماهیت، اصالت را به وجود داد.

اگر در نگاه ارسطویی ارتباطی بین شهر به مثابه عرصه اجتماعی، حیوان اجتماعی یا مدنی بالذات بودن انسان، سیاست و سعادت وجود داشت، همه این اصول موضوعه مرتبط با انسان شناسی ارسطو بود؛ یعنی در آنجا که او از انسان با عنوان «حیوان ناطق» یاد می‌کند و نطق ارجاع به قوه تعقل دارد و ابزار ارتباط با دیگران است. پیش از صدرا، همان طور که فناری شرح داده است، ابن عربی ایراداتی را به این تعریف ارسطویی وارد کرده بود.^{۱۰} او با نظری عرفانی و با رجاعات قرآنی تأکید داشت که ناطق بودن فصل ممیز انسان نیست، زیرا دیگر حیوانات و حتی جمادات نیز ناطق اند و اهل کشف آن را فهم می‌کنند.^{۱۱} حتی اگر ناطق بودن به معنی ادراک کلی باشد نیز شامل دیگر موجودات نیز می‌شود. اومدعی شد فهم لازمۀ وجود است و جهل و عدم دسترسی مانسبت به باطن نباید به معنی محو آن باشد. بنابراین، ابن عربی بر آن بود که در ساحت تعریف هم ظاهر و هم باطن باید مورد نظر قرار گیرد.^{۱۲} ابن عربی بدین ترتیب فصل حقیقی انسان را وجه الهی نفس و قابلیت تکامل می‌داند که دیگر موجودات فاقد آن هستند. صدرا نیز با همین اسلوب فصل ممیز انسان را «اخلاق» و نمایندگی الهی و قابلیت تکامل می‌داند. با این همه، صدرا تعریف انسان به «حیوان ناطق» را می‌پذیرد، اما ناطق بودن رانه در معنای ارسطویی، بلکه به معنای قابلیت ادراک معنای کلی مجرد از ماده می‌داند. این معارف از طریق «نفس ناطقه» حاصل می‌شود که خود فصل ممیز انسان است و دیگر موجودات از آن بی بهره‌اند.^{۱۳} به فعلیت رساندن این قوه در انسان خود به معنی حرکت به سوی مبدأ و آغاز نمودن سیاست است. به دیگر سخن، سلوک وجودی خود عین سیاست است.

مفهوم کانونی «سعادت» نیز در همین جا قابل طرح است. در طرح فلاسفه مسلمان سعادت انسان امری عقلی است، اما روش تحقق آن مورد اختلاف است. در تقسیم‌بندی مشائیان قوه ادراک هر یک از حیطه‌های حکمت نظری و حکمت عملی دو سنخ عقل نظری و عملی است. انسان به واسطه عقل نظری به شناخت نفس چیزها و توسط عقل عملی به ادراک افعال و رفتار انسان نایل می‌آید. عقل عملی در حقیقت مصادیق آنچه را که عقل نظری دریافته است شناسایی می‌کند؛ مثلاً عقل نظری نفس حسن و قبح را شناسایی می‌کند که امور ثابت اند، و عقل عملی بر اساس دریافت عقل نظری رفتارهای حسنه و قبیح را شناسایی می‌کند که متغیرند. بنابراین، سیاست بدان جهت که حیطه عمل است مربوط به حکمت عملی است و در نتیجه سعادت نیز در گرو عمل و متعلق به حوزه مدنی خواهد بود. اما فایده بر آن بود که سعادت در درجه نخست در گرو اتصال به عقل فعال است؛ وصول به این مرتبه مستلزم مفارقت از جسم و ماده است که برای هر کسی تحقق نمی‌پذیرد.^{۱۴} در عین حال، تحقق چنین سعادت که خیر افضل است در گرو حضور در اجتماع مدنی یا مدینه است.^{۱۵} چنین سعادت، اگرچه مستلزم حضور در مدینه است، اما سعادت ماهیتاً مدنی نیست. ابن مسکویه رازی عقل نظری را متولی شناخت مبادی و عقل عملی را متولی شناسایی مصادیق می‌داند و معتقد است این دو یکی بدون دیگری ناقص‌اند.^{۱۶} ابن سینا نیز در اشارات^{۱۷} و طبیعیات شفا^{۱۸} همین نظر را پذیرفته است. از نظر ملاصدرا وظیفه عقل خدمت‌گذاری عقل نظری است.^{۱۹}

او همچون فلاسفه پیش از خود عقل نظری را واجد چهار مرتبه می‌داند که به ترتیب عبارت‌اند از عقل هیولانی یا بالقوه، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد.^{۲۰} در مقابل، عقل عملی نیز واجد چهار مرتبه است که عبارت‌اند از: تهذیب ظاهر بر اساس استفاده از قوانین الهی و شرایع آسمانی، تهذیب باطن و پاک کردن قلب و دل از حالت‌های زشت نفسانی، آراستن باطن به صورت‌های عملی و معارف حقیقی دینی، فنای نفس از ذات خود و حصر نظر بر خداوند و عظمت او.^{۲۱}

ملاصدرا بر آن است که از میان دو قوه نفس ناطقه، یعنی عقل نظری (عالمه) و عقل عملی (عامله)، عقل عملی به ادراک کلیات می‌پردازد، اما نه چنان که ارسطو گفته است تنها از طریق استدلال، بلکه بخشی از ادراک کلیات افاضی است و از عالم بالا اعطای می‌شود. بنابراین، از نظر ملاصدرا، همانند ابن سینا و سهروردی، سعادت آدمی از مقوله لذت عقلی است و هنگامی محقق می‌شود که نفس ناطقه آدمی در حرکت جوهری به مرحله عقل مستفاد رسد که غایت تکامل او به شمار می‌رود.^{۲۲} در همین جاست که مسیر ملاصدرا در شرح مفهوم «سعادت» از ارسطو و مشائیان جدا می‌شود؛ در حالی که ارسطو و ارسطوگرایان سعادت را مفهومی مدنی و در گرو «polis» می‌دانند، ملاصدرا سعادت را دارای وجهی وجودی می‌داند. از نظر ملاصدرا، ذات نفس آدمی قوه نظری آن است که از جنس عالم بالاست و از همین روی کمال آن در گرو اتصال به عالم بالاست. جوهره اصلی آدمی همان قوه نظری نفس ناطقه است، و قوه عملی شکل دهنده هویت آدمی است و وجه عرضی نسبت به آن دارد. با وجود این، سعادت انسان اگر چه در گرو وصول به عالم معقول است، اما تحقق آن منوط به قوه عملی است. به عبارت بهتر، قوه عملی از طریق انجام امور عملی نظیر عبادات در حقیقت قوه نظری نفس ناطقه را در اتصال به عقل فعال کمک می‌کند، زیرا دریافت انوار ایمان در گرو صفای قلب و طهارت نفس است که با عمل محقق می‌شود و این طهارت نفس خود باب ادراک عقل نظری را می‌گشاید.^{۲۳}

نکته اساسی دیگر در معرفت‌شناسی صدرا، که مرتبط با مفهوم حرکت جوهری اوست، اعتقاد وی به «اتحاد عاقل و معقول» است. این موضوع به طور خاص به ارتباط میان سه عامل ادراک، یعنی مُدرک، مُدرک^{۲۴} و ادراک، یا عالم، معلوم و علم مربوط است. بحث بر سر این است که آیا به هنگام ادراک، مدرک یا عالم با مُدرک یا صورت ذهنی پدید آمده نژاد به وحدت می‌رسد یا میان آن دو ثنویت ایجاد می‌شود؟ مخالفان اتحاد عاقل و معقول مانند ابن سینا معتقدند که نفس هنگام حصول معرفت دارای صورت ذهنی می‌شود و تغییری در ذات نفس رخ نمی‌دهد، زیرا اساساً از نظر آنان نفس جوهری ثابت است. بنابراین، رابطه نفس و صورت ذهنی مانند رابطه جوهر و عرض است. در مقابل این نظریه، ملاصدرا معتقد است نفس به هنگام حصول معرفت از چیزی برخوردار نمی‌شود که عرض بر آن شود، بلکه خود او چیز دیگری می‌شود. بدین گونه نفس در هر مرحله از مراحل علم یابی حسی، خیالی و عقلی متحول می‌شود و تکامل می‌یابد. نسبت عاقل به معقول مانند نسبت ماده و صورت است، یعنی نفس در پذیرش صور در هر مرحله عین آن می‌شود و حرکتی تکاملی را طی می‌کند. ابن سینا بر آن است که جوهر نفس آدمی از ابتدای تولد تا مرگ ثابت است و انسان‌ها تنها در اعراض با یکدیگر تفاوت دارند، اما ملاصدرا بر این نکته تأکید کرد که جوهر نفس آدمی واصل انسانیت نیز متغیر است و در مراحل مختلف به درجات متعدد کمال یا زوال می‌یابد.^{۲۵}

در نظر ملاصدرا علم به معلول تنها در صورت علم به علت محقق می‌شود.^{۲۶} بنابراین شناخت انسان در گرو شناخت خداوند است.